

روش‌شناسی تربیت در قرآن کریم

□ محمد جواد عرفانی *

چکیده

بحث تربیت از مباحث مهم، کار بردی و مورد نیاز در هر زمان و مکان می باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت به معنای هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان برای رسیدن به کمال مطلوب است؛ لذا می بینیم که از ابتدای خلقت تاکنون هدف از بعثت پیامبران، تربیت انسان‌های شایسته و اخلاقی بوده تا از این طریق بتوان به یک جامعه صالح و سالم دست یافت و روابط خود را با انسان‌ها، محیط و حتی خالق هستی به نظم درآورد. اما باید اذعان داشت که تربیت صحیح یک انسان، مستلزم بکارگیری روش‌ها و دستورات عمل‌های مناسب است. استفاده از روش‌های تربیتی مناسب، هدف از تربیت را تسریع می بخشد.

بنا بر این شناخت روش‌های مطلوب تربیتی، مهم‌ترین مسئله مرییان و متولیان هدایت جامعه است؛ زیرا با چنین شناختی می‌توانند از توانمندی‌های بالقوه و استعدادهای درونی اعضای جامعه هدف به نحو مطلوب بهره برداری کنند. داشتن روش درست تربیت، موجب می‌شود مریی بتواند انسان‌هایی را تربیت کند که به نحو روشمند از تاریکی گمراهی خارج شوند، در پرتو نور هدایت قرار گیرند.

کلید واژه: تربیت، روش، قرآن کریم، مریی

۱- مفهوم تربیت در لغت و اصطلاح

۱-۱- تربیت در لغت.

واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود مانند: تربیه، تزکیه، تحلیه. (محمد رضا، طباطبایی، صرف ساده، ۱۷۱/)

خلیل بن احمد فراهید

ی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست، به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: «رَبَا الْجِرْحَ وَالْأَرْضَ وَالْمَالَ وَكُلَّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبْوًا» هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد (خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ۸/ ۲۸۴)

در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده است و در کنار آن به بیان قولی نیز قایل شده است که اصل این کلمه را از (رب) می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است. (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۳۴۰/)

او در بیان معنای «رب» این‌گونه آورده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَّةُ، وَهُوَ إِِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حُدِّ التَّمَامِ» (همان/ ۳۳۶) بعضی نویسندگان به ریشه‌های سه‌گانه تربیت اشاره نموده است و می‌گویند: «تربیت» مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه است: ۱- ربأ، یربؤ (= فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (= فعل ناقص) ۳- رب، یرب (= فعل مضاعف) (خطیب، محمد شحات، اصول التربية الإسلامية، ۲۳/)

تربیت چون از «ربا، یربو» باشد، رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن را می‌رساند. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وَرِبَاءً: زَادَ وَنَمَا.» (ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، ۱۴/ ۳۰۵)؛ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد.

ابن عربی با در نظر داشت همین ریشه تربیت گفته است: فَمَنْ يَكُ سَائِلاً عَنِّي فَأِنِّي بِمَكَّةَ منزلي و بها ربيُّ» اگر کسی از من بپرسد (کیستی؟) خواهیم گفت: اقامتگاه من مکه است و در همان جا قد کشیده و بالیده‌ام.» (رفیعی، بهروز، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ۹۰/۳)

نویسنده «التحقیق فی کلمات القرآن» می‌گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ: هُوَ الْإِتْفَاحُ مَعَ زِيَادَةٍ بِمَعْنَى أَنْ يَنْتَفِخَ شَيْءٌ فِي ذَاتِهِ ثُمَّ يَتَحَصَّلُ لَهُ فَضْلٌ وَزِيَادَةٌ. وَهَذَا الْمَفْهُومُ قَدْ تَشَابَهَ بِهِ عَلَى اللُّغَوِيِّينَ، فَفَسَّرُوهَا بِمَعَانٍ لَيْسَتْ مِنَ الْأَصْلِ، بَلْ هِيَ مِنْ آثَارِهِ وَلِوَاظِمِهِ وَ مَا يَقْرُبُ مِنْهُ، كَالزِّيَادَةِ الْمَطْلُوقَةِ، وَ الْفَضْلِ، وَ النَّمَاءِ، وَ الْإِتْفَاحِ، وَ الطُّوْلِ، وَ الْعِظْمِ، وَ الزُّكَا، وَ النِّشَاءِ، وَ الْعِلَاءِ.» (حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ۳۵/۴) (دیدگاه مطابق با حقیقت آن است که اصل یگانه در معنای این ماده، انتفاخ - برجسته شدن - به همراه افزوده شدن است، به این معنا که چیزی در ذات خود برجستگی و گشودگی بیابد و سپس بر آن افزوده گردد. اما این مفهوم بر بسیاری از اهل لغت مشتبه شده و برای آن معنایی را برشمرده‌اند که با اصل معنای این ماده سازگار نیست، بلکه آن معنای از آثار و لوازم معنای اصلی است، همچون مطلق زیاد شدن - از اندازه معمول رشد و نمو، متورم شدن، افزایش در درازی، افزوده شدن در بزرگی، رشد کردن، نمو کردن و بالا آمدن.) وی سپس و بر اساس همین گفته خود، بین معنای ریشه مهموز و مضاعف این واژه تفاوت قائل شده و معنای آن را آن‌گاه که از ماده مهموز باشد، به معنای خود افزودگی و آن‌گاه که از ماده و ریشه مضاعف باشد، به معنای افزایش از بیرون دانسته و گفته است: «و بهذا يظهر الفرق بين هذه المادّة وبين الربّ و الربا، فقولنا ربّي الصغیر مهموزاً أي علا و طال، و ربّ الصغیر بالتضعیف أي ساقه الى جهة الكمال» (همان) بر اساس آنچه گفتیم، فرق بین این ماده و بین دو ماده رباً (= مهموز) و ربّ (= مضاعف) معلوم می‌گردد؛ بدین معنا که هرگاه می‌گوییم «ربّي الصغیر» [= مهموز]، یعنی طفل قد کشید و بلند شد. اما معنا و مفهوم «ربّ الصغیر» [= مضاعف] این است که کودک را به جهت کمال سوق داد.

۱-۲- تربیت در اصطلاح

در تعریف تربیت، باید توجه داشت که نگاه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان متفاوت هست؛ زیرا نگاه دینی به تربیت باعث شده مبانی، روش‌ها، غایات و اهداف تربیت در نزد معتقدین به دین با دیگر گروه‌ها تفاوت‌هایی قابل توجه بوجود بیاورد که ممکن است در نگاه اول مورد توجه قرار نگیرد ولی وقتی با دقت بیشتر بدان نگریده شود این تفاوت بسیار چشم‌گیر و مورد توجه است.

اما با توجه به محدودیت حجم مقاله به تعریف برخی از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان اشاره می‌شود.

۱-۲-۱- تربیت در اصطلاح اندیشمندان مسلمان

الف) استاد مطهری (ره) در تعریف تربیت این‌گونه بیان می‌دارد: « تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد های درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت در آوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم» (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ۲۲/، ۵۵۱)

ب) تربیت عبارت است از عملی که قوای جسمانی و روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای با استمداد از درون و متبری و به مدد کوشش‌های او به میزان توانایی و استعداد های خود رشد و پیشرفت نمایند. (سید محمد باقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۰/)

ج) تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن‌که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. (مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی / ۲۴)

د) تربیت عبارتست از فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود. (گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مجموعه مقالات، اول، ۵۷/)

ه) علامه مصباح یزدی نیز در گفتگویی که در عنوان تربیت دینی با ایشان انجام شده، تربیت را این گونه تعریف کرده‌اند: تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای این که استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود. (همان/ ۲۸)

البته تعاریف دیگری نیز برای تربیت ارائه گردیده که به جهت جلوگیری از اطاله شدن مقاله صرف نظر می‌گردد اما آنچه به عنوان نتیجه از مجموع تعاریف ارائه شده می‌توان بیان کرد این است:

تعریف اصطلاحی تربیت در نزد اندیشمندان اسلامی عبارت است از شکوفایی استعدادها و خدادادی در هر انسان، به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی یا به تعبیر دیگر تربیت یعنی به فعلیت رساندن استعدادها و ذاتی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد.

۲- تربیت در اصطلاح

۲-۱- اندیشمندان غیرمسلمان

یک: امیل دورکیم: تربیت آن کارکردی است که در طی آن، نسل بالغ، رسیده و تربیت یافته، بر نسلی که هنوز برای زندگی به اندازه کافی پختگی نیافته است، اثر می‌گذارد و هدف از آن، برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی است. (گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت: ۱ / ۲۲۴-۲۲۵)

دو: اتحادیه بین‌المللی پرورش نو: تربیت، فراهم کردن زمینه رشد کامل توانایی‌های هر کس - در حد توان - به عنوان فرد و نیز عضو جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است؛ تربیت از تحول اجتماعی جدا نبوده، بلکه خود یکی از نیروهای تعیین کننده آن است (همان).

سه: روسو: تربیت، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت نیروهای طبیعی و استعدادها و متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن

تحقق می‌پذیرد. از نظر او تربیت، فرایند پرورش متربی در گستره استعدادهای مادرزادی است. (همان)

در جمع‌بندی تعاریف تربیت می‌توان گفت که در تمامی تعاریف توجه به استعداد و زمینه‌ها شده است که بیانگر کارآیی تربیت در صورت وجود استعداد است و چنانچه زمینه تربیت وجود نداشته باشد این امر به سرانجام نخواهد رسید.

۲- روشهای تربیت

۲-۱- تعریف روش

«روش عبارت است از مجموعه فعالیتها یا مجموعه تدابیری که با استفاده از امکانات در چارچوب اصول و ضوابط برای وصول به هدفی صورت می‌گیرد» (روشها و فنون تدریس، غلامحسین زرکش، ص ۲) براساس این تعریف، می‌توان گفت: روش تربیت، فعالیت‌های نظامدار، هدفدار و هدایت‌کننده‌ای است که مربی به عمل می‌آورد تا متربی و فراگیر را به آنچه که رشد و کمال نامیده می‌شود، نایل گرداند.

۲-۲- اهمیت روش در تربیت

تعلیم و تربیت یک آزمایش نیست که مربی به خود اجازه دهد، تا با تجربه و آزمایش شیوه‌ها و روشهای گوناگون، به امر تربیت و پرورش افراد مبادرت ورزد، بلکه باید بداند که تربیت یک برنامه هدفدار و از پیش تعیین شده است که لازم است ضمن شناخت دقیق و کافی فراگیر در ابعاد مختلف، مناسب‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین شکل برخورد را روند و مراحل تربیت برگزیند روشی که نتیجه و آثار آن از قبل برایش مشخص و قابل پیش‌بینی خواهد بود.

آیین آسمانی اسلام (قرآن کریم) نیز که رسالت اصلی آن هدایت و پرورش انسانهای مؤمن والهی در همه زمانها و مکانهاست، روشهای تربیتی مخصوص به خود را دارد که اینک به بررسی پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

۳- روشهای تربیت در قرآن کریم.

۱-۳- محبت

در قرآن کریم هر جا که سخن از دعوت مردم برای کسب فضیلتی است و یا می خواهد شخص مؤمن صفتی از صفات خوب را در خود ایجاد و یا تقویت کند، بلافاصله محبت و دوستی خدا را نسبت به دارندگان چنین فضایی یادآور می شود. (سوره های بقره (۲)، آیه ۲۲۲، آل عمران (۳)، آیه ۱۴۸، توبه (۹)، آیات ۴-۷ و..). گاهی نیز به طور مستقیم، محبت به خدا و محبت خدا نسبت به بندگان را وسیله دعوت و تبلیغ ذکر کرده می فرماید: **قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ**. (آل عمران (۳)، آیه ۳۱). (بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد).

محبت در شکلهای گوناگونی از زندگی انسان بروز می کند که محبت به خدا یکی از آنهاست از جمله نمونه های آن، محبت پدری است که معمولاً در شکل اهتمام پدر نسبت به فرزندان، سرپرستی، نصیحت و راهنمایی آنها به کارهای خیر بروز می کند. چنان که قرآن کریم از زبان لقمان و نصایح پدران اش به فرزند، نمونه ای از یک پدر حکیم که براساس به کارگیری روش محبت، فرزندان را نصیحت و راهنمایی می کند، ارائه می دهد (سوره لقمان (۳۱)، آیات ۱۳-۱۹).

۲-۳- احترام به شخصیت

روانشناسان شخصیت را نتیجه و محصول تأثیر متقابل فرد و محیط طبیعی و اجتماعی او می دانند و در بررسی شخصیت افراد خصوصیات بدنی، نحوه تفکر، ایده آل ها و چگونگی سازگاری فرد با محیط و طرز برخورد او با دیگران را مورد توجه می دهند. از این رو در تعریف شخصیت می توان گفت: (شخصیت عبارت از خصوصیات است که در یک طرح یا کل وحدت پیدا کرده و شکل گرفته است این خصوصیات در رفتار فرد ظاهر می گردد و با اینکه این خصوصیات طرز رفتار فرد را تا حدی ثابت و قابل پیش بینی می سازد، [با این وجود] شخصیت فرد قابل تغییر و تکامل است (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر: ۲۲ / ۳۵۹)

۱-۲-۳- شخصیت انسان از منظر قرآن

تصویری که قرآن کریم از انسان ارائه می دهد تصویری از يك موجود الهی با هدفی الهی است که جانشین خدا در زمین و تجلی گاه اوصاف اوست. قرآن برای انسان نه تنها سرشتی پلید و غیرقابل اصلاح قائل نیست بلکه برای او فضایل زیادی نسبت به سایر مخلوقات برشمرده، از جمله: - برگزیده خداست، دارای سرشت الهی و ملکوتی است، مسجود فرشتگان است، شایسته جاننشینی خداست، آرمان خواه است و خواستها و آرمانهایش بی نهایت است، دارای کرامت ذاتی است و بر بسیاری از مخلوقات برتری دارد و امانتدار الهی و مسئولیت پذیر است. که در آیات ذیل به این اوصاف اشاره شده است. (طه (۲۰)، آیه ۱۱، حجر (۱۵)، آیه ۲ همان، بقره (۲)، آیه ۳۰ همان، آیه ۱۵۶ (در بیش از پنجاه آیه دیگر به این معنا اشاره شده است) اسراء (۱۷)، آیه ۷۰، احزاب (۳۳)، آیه ۷۲.

۳-۳- الگو دهی

۱-۳-۳- اهمیت الگو در یادگیری و تربیت

از آنجایی که مشاهده و تقلید از آسان ترین، معمول ترین و نتیجه بخش ترین راههای یادگیری به شمار می آید، ارائه متد و نمونه از رایج ترین شیوه های آموزش و تربیت است؛ لذا ارائه يك الگو و نمونه کامل که دارای هیچ گونه کمبود و نقصی نبوده یا لاقلاً کمترین کاستی را داشته باشد، به (فراگیر) این امکان را می دهد که با تقلید و نمونه سازی و یا مشاهده خصوصیات مدل و نمونه، به راحتی خود را با شرایط مورد درخواست در الگو تطبیق دهد. (رضا رجالی زاده، روش شناسی تدریس / ۱۴)

۲-۳-۳- تعریف الگو

با يك بیان ساده و در يك دید کلی الگورا می توان این گونه تعریف کرد: الگو، عبارت است از يك نمونه کامل و مطلوب، با صفات و ویژگیهای مورد نظر که مربی و معلم سعی می کند (فراگیر) را همانند یا همسان آن سازد و یا از وی می خواهد که همانند آن را تهیّه نماید.

یکی از مهم ترین روشهای شناخته شده تربیتی اسلام، معرفی پیامبران الهی، پیشوایان معصوم و انسانهای کامل و راه یافته و دعوت به تبعیت از ایشان به عنوان (الگو) و سرمشق قراردادن روش و سنت آنان در مراحل مختلف زندگی است.

از نظر قرآن، تنها ارزشهای الهی و انسانی موجود در الگو و سرمشق، مهم و قابل توجه هستند؛ چرا که اگر قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (مزمل (۷۳)، آیه ۱۵). به دلیل آن است که او فردی کامل و نمونه بارز و عملی تربیت اسلامی است. او کسی است که با تربیت الهی رشد و پرورش یافته و نمونه عینی انسان کامل مورد نظر اسلام است. و اگر مؤمنین را شاهدان و گواهان و در نتیجه الگوهای سایر مردم معرفی می کند، به این خاطر است که اینان ره یافتگان و تربیت شدگان به تربیت اسلامی هستند. (بقره، آیه ۱۴۳). توجه به این مهم در مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار به مرزهای فرهنگی و ارزشی جوامع اسلامی، می تواند بسیار کارساز و نتیجه بخش باشد.

۳-۴- معاشرت با صالحان

۳-۴-۱- اهمیت معاشرت در روابط اجتماعی

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهای مادی و معنوی او در اجتماع و به وسیله سایر افراد جامعه برآورده می شود، فرد ناچار از داشتن روابط عمیق و گسترده اجتماعی در ابعاد مختلف است.

براین اساس در روابط و پیوندهای اجتماعی، داشتن دوست، شناخت و انتخاب دوستان، شرایط و آداب دوستی و معاشرت، دانستن ویژگیهای مطلوب دوستان شایسته و قابل اعتماد از مسائل مهم و سرنوشت ساز است و بی توجهی در این زمینه می تواند عواقب خطرناک و جبران ناپذیری داشته باشد.

چه بسیارند افرادی که به وسیله دوستان خوب از حننیت ذلت به اوج عزت و ترقی راه یافته اند و یا به واسطه معاشرت با افراد ناباب از قلّه رفیع سعادت به درّه بدبختی و فلاکت سقوط کرده اند.

۲-۴-۳- معاشرت از دیدگاه قرآن

در دیدگاه قرآن تأثیر مصاحب و همنشین در شکل دادن و تغییر رفتار فرد تا حدی است که می تواند پسر نوح نبی را تا اندازه ای در انحطاط و گمراهی قرار دهد که دیگر جزو خانواده رسالت به شمار نیاید: **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ**. (هود (۱۱)، آیه ۴۶)

او دیگر جزء اهل بیت تو نیست و از شدت گمراهی تجسم عمل ناشایست و غیر صالح است از این رو، پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) تنهایی و غربت را بهتر از همنشینی با افراد نا اهل قلمداد کرده می فرماید: **الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السُّوءِ** (بحارالانوار: ۱۹۹/۷۴) (تنهایی و غربت از همنشین بد بهتر است).

۵-۳- بیان حوادث عبرت آموز تاریخی

یکی از روشهای بسیار مؤثر تربیتی که در تمام مراحل رشد می تواند برای مانوس کردن کودکان و نوجوانان، با مفاهیم اخلاقی و دینی، مفید واقع شود نقل داستان و قصه است. یکی از محورهای مهمی که قرآن کریم در تربیت و هدایت مخاطبان خود بر آن تکیه کرده و در فرازهای گوناگونی به آن پرداخته، بیان سرگذشت اقوام گذشته و دعوت به تفکر در سرنوشت آنهاست. (آل عمران (۳)، آیه ۱۳۷، انعام (۶)، آیه ۱۱؛ نحل (۱۶)، آیه ۳۶ عنکبوت (۲۹) آیه ۲۰)

۱-۵-۳- اهداف مورد نظر در بیان حوادث عبرت آموز

به طور کلی می توان اهداف مورد نظر در مثلها، قصه ها، سرگذشت اقوام و ملل و نیز پند و اندرزها و حکایتها را در امور زیر خلاصه کرد:

- ۱- آگاه کردن مخاطب به معیارهای ارزشی و ضد ارزشی (پسندیده ها و ناپسندیده ها).
- ۲- روشن کردن نقش افراد و مسؤولیت آنها در انجام کارها.
- ۳- تجسم آثار و نتایج هر عمل به صورت عینی و محسوس
- ۴- ترغیب و تشویق مخاطبان به تعقل و تفکر درباره نکات اساسی داستان و اقدام به تربیت و اصلاح خود* (علم و تربیت اسلامی، دکتر علی شریعتمداری، ص ۲۱۹)

۶-۳- پرستش

هدف اصلی و نهایی در تعلیم و تربیت اسلامی، قرب به خداوند است و آدمی در سایه پرستش، گام به گام و مرحله به مرحله این راه را طی می کند.

۱-۶-۳- تعریف پرستش

«پرستش» (عبادت) در لغت به معنای تذلل، اطاعت و ستایش کردن آمده است. (مفردات قرآن، راغب اصفهانی، واژه عبد.) و این معنا در همه موجودات نسبت به خداوند تعالی صادق است اما عبادت به معنای اصطلاحی و شرعی که عبارت است از يك سری اعمال خاص که به قصد قربت و نزدیکی به خداوند تعالی انجام می گیرد، فقط در مورد انسان به کار می رود. (همان)

۲-۶-۳- پرستش، یک روش سازنده تربیتی

عبادت و بندگی خدا، تنها وسیله ای است که پیمودن این راه و رسیدن به این مقصد فطری را برای آدمی ممکن و آسان می سازد. امام خمینی (ره) این حقیقت را این گونه یادآور شده، می فرماید: «عقاید و تمام اعمالی که دستور داده اند، همه اش برای این است که این انسان را تربیت کنند که به آن مقصدی که بر حسب فطرت دارد - (فَطَرَتَ اللّٰهِ الَّتِیْ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا) - برسد» (در جستجوی راه از کلام امام (ره)، دفتر: ۲۲/ ۷۴)

بنابراین، پرستش در مرحله نخست، پرورش این میل ذاتی و این خواست فطری است و در پاسخ به این نیاز درونی، زمینه های رشد و تکامل معنوی او فراهم می شود. از سوی دیگر، عبادت - با ویژگیهایی که اسلام برای آن قایل است - دارای اثرات تربیتی عمیق و بسیار زیادی است که به هیچ وجه با سایر روشهای تربیتی قابل مقایسه نمی باشد.

۷-۶- نیایش

از روشهای بسیار سازنده و نیرومند تربیتی اسلام، دعا و نیایش است. نیایش درحقیقت، پرستش عاشقانه و عالی ترین جلوه معنوی انسان است. نیایش حالتی است که فرد با بریدن از

عالم مادی و مسایل و مشکلات آن، در حالتی عرفانی و معنوی با مبدا هستی و منشاء همه فضایل و کمالات ارتباطی عاشقانه و نزدیک برقرار می سازد، خواسته ها و نیازهایش را با وی در میان می گذارد، به راز و نیاز و گفتگو می نشیند و با ذکر صفات جلال و جمال او خود را در مسیری قرار می دهد که سرانجام آن طهارت نفس، نورانیت دل و پاکی از هرگونه آلودگی و پلیدی است

۱-۶-۳- معنای نیایش

نیایش یا دعا، در لغت به معنای صدا زدن و به یاری طلبیدن و در اصطلاح اهل شرع، گفتگو کردن با حق تعالی به نحو طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه او و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدس اوست. (آیه... مشکینی، المصباح المنیر، ۱۱/ به بعد - مراجعه شود)

۲-۶-۳- آثار سازنده نیایش

دعاهایی که به آنها سفارش شده مضامینی بسیار عالی و لطیف دارد که روح آدمی را در دریایی از فضایل معنوی غوطه ور ساخته، مرغ جانش را در آسمان بی انتهای کمال به پرواز درمی آورد. در اینجا به عنوان نمونه، برخی از آثار تربیتی دعا را به طور خلاصه یادآور می شویم:

- ۱- دعا سبب توسعه بینش و معرفت فرد نسبت به عظمت مقام خداوند می گردد.
- ۲- حالت انس و اُلفت دل با ذات باری تعالی و حصول آرامش و سکون نفس است.
- ۳- موجب پشیمانی از خطاها و حالت شرمندگی و زمینه ساز توبه است
- ۴- از مصادیق بارز تلقین اعتماد به نفس، بی نیازی از غیر خدا، تعلیم توحید، اوصاف خدا و سایر جنبه های اعتقادی و ارزشی است

۵- و بالاخره دعا، روحیه انقیاد و تسلیم در برابر قضا و قدر الهی و عصیان و نافرمانی در برابر ظالمان و جباران را در انسان پرورش داده، وظایف الهی، آداب معاشرت، اتصاف به فضایل انسانی و اجتناب و پرهیز از اعمال زشت و ناروا، صفات رذیله و خصلتهای ناپسند را برای وی یادآوری می کند. در این خصوص، توجه به مضامین دعاها - بویژه دعای مکارم الاخلاق -

می تواند الهام بخش مسائل عمیق تری باشد.

۸-۳- جهاد

۱-۸-۳- معنی جهاد.

جهاد از ماده (جهد) به معنای تلاش و کوشش زیاد، تا سرحد توان کوشیدن و با تمام نیرو و کار کردن آمده است (منجد الطالب، ماده جهد) و در اصطلاح شرع، به تلاش و مبارزه در راه خدا اطلاق می شود و از جمله فروع دین است. از این رو، جزء ضروریات دین بوده و منکر آن کافر محسوب می گردد.

در تشریح این نقش سازنده و ترغیب افراد مسلمان به پیوستن به این کاروان سعادت و رستگاری، تعبیری بلند به چشم می خورد. به عنوان نمونه، به برخی از آنها توجه کنید:

۱- جهاد، معامله با خداست «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآئِنٍ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (همانا خداوند - در برابر بهشت - خریدار جان و مال مؤمنان است).

۲- جهاد، ارزش يك ساعت ایستادن (مجاهد) در صف نظامی، از شصت سال عبادت بالاتر است «لَقِيَامُ الرَّجُلِ فِي الصَّفِّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِينَ سَنَةً» (نهج الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده / ۴۷۷)

۳- جهاد، مایه مجد و عظمت نسلهای آینده است «أَغْرُوا تُورِثُوا أَعْبَانَكُمْ مَجْدًا». (جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای نسلهای آینده خود به یادگار بگذارید) (وسائل الشیعه: ۱۱ / ۹).

۲-۸-۳- آثار جهاد در تربیت

جهاد، دارای آثار سازنده ی بسیاری در تربیت الهی انسان است که به پاره ای از آنها اشاره می شود:

۱- اصلاح محیط اجتماعی؛ از نظر اسلام وقتی محیط آلوده و نامناسب است، ابتدا باید به اصلاح و پاکسازی آن اقدام نمود و در صورت عدم توانایی برآن، (هجرت) و دوری از ابتدال و اسارت و زبونی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ

يُذِرْكُمُ الْمَوْتَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء (۴)، آیه ۱۰۰) (پاداش کسی که از محیط نامناسب و آلوده به سوی خدا و رسولش هجرت کند و در این راه بمیرد، با خداوند است و خدا بخشنده و مهربان است.)

۲- شکوفایی جوهره اصلی انسان؛ امام خمینی (ره) در این مورد می فرماید: «جنگ، باعث بروز جوهره اصلی انسان - که باید همواره متحرک باشد - خواهد شد؛ جنگ، شجاعت باطنی انسان را بروز می دهد، او را به تحرك و فعالیت وامی دارد و حالت خمودی و کسالت را از بین می برد» (در جستجوی راه از کلام امام (ره)، دفتر دوم/ ۱۳)

۳ - صحنه آزمون الهی؛ در کشمکش بین دنیا و آخرت، گروهی دنیا و گروهی آخرت را برمی گزینند «مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (آل عمران، آیه ۱۵۲) (در جنگ و هنگامه نبرد - آنگاه که غرش سلاحهای مرگ آور، عرصه را از هر سوی بر آدمی تنگ می کند - معلوم می شود چه کسانی حاضرند به صورت عملی و تا سرحد جان، پای بندی خود را به عقاید و ایمان قلبی خویش، نشان دهند به تعبیر قرآن کریم «وَلَنْبَلُونَكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ» (محمّد (۴۷)، آیه ۳۱). (ما شما را مورد آزمایش قرار می دهیم تا مجاهدان و بردباران شما را بشناسیم)

۳-۸-۳- جهاد اکبر

باید توجه داشت که غرض اصلی اسلام از جهاد اصلاح و تزکیه انسان، در بُعد فردی و اجتماعی است از این رو در اسلام مبارزه با نفس (جهاد اکبر) و مبارزه با دشمنان - حتی در شدیدترین و طاقت فرساترین صورتهای آن - (جهاد اصغر) نامیده شده است. چنان که امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ فَاشْتَغَلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعُدُوا» (شرح غرر الحکم: ۶ / ۴۶۹) بدانید که جهاد با نفس، جهاد اکبر است پس به جهاد با نفس خویش مبادرت ورزید تا سعادتمند شوید.

۹-۳- کار

انسان، موجودی است با دوجنبه وجود مادی و معنوی و در هر یک از این دوجنبه، احتیاجاتی دارد که برای رسیدن به کمال مطلوب بناچار باید این نیازها را به طریقی برآورده سازد پرواضح است که این مهم تنها با تلاش و کوشش، عملی خواهد بود نه با تن پروری، سستی و خمودی؛ قرآن کریم به این واقعیت اشاره کرده، می فرماید: *وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى* (نجم (۵۳)، آیه ۳۹) (و چیزی نیست برای انسان، جز حاصل سعی و تلاش او).

بنابراین با توجه به استعدادهای متفاوت و تواناییهای گوناگون و امکانات مختلفی که نزد افراد بشر یافت می شود، همه آنها می توانند نیازهای متعدد خود را با همیاری و مساعدت یکدیگر، در یک جامعه و اجتماع بشری برطرف سازند.

۱-۹-۳- نقش سازنده کار در تربیت انسان

کار، علاوه بر آنکه از جمله ضروریات زندگی است و بدون آن، تقریباً تمام جنبه های حیات آدمی به تعطیلی کشیده می شود، به لحاظ تربیتی و سازندگی افراد نیز امری ضروری است. کار، در سازندگی ابعاد جسمانی و درونی انسان دارای آثار سازنده زیادی است که برخی از آنها را به این ترتیب می توان بیان کرد:

الف- در بعد قوای جسمانی: کار بهترین ورزش و عامل تقویت قوای جسمانی است و این مطب، نیاز به توضیح و استدلال ندارد.

ب- در بُعد قوای درونی و معنوی:

۱- کنترل قوه خیال: کار، بهترین وسیله برای کنترل خیال و به کارگیری آن است تا جلو انحرافات و افکار خطرناک گرفته شود؛ زیرا رها گذاشتن قوه خیال، فساد اخلاق و پیدایش افکار فساد انگیز را به دنبال خواهد داشت.

۲- شکوفایی استعدادهای بالقوه: کار در عین اینکه معلول قوای مختلف جسمانی و درونی انسان است- به عنوان تمرین و ممارست- سازنده و پرورش دهنده آنها نیز می باشد.

۳- جلوگیری از بروز فقر: فقر یکی از پدیده های شوم و ویرانگر اجتماعی است که زمینه

انحطاط اخلاقی و فرهنگی و عقب ماندگی در تمام ابعاد زندگی رافراهم می سازد و به دنبال آن، رفتارهای نابهنجار اجتماعی از قبیل دزدی، خیانت، طمع و... گسترش یافته در مقابل، بسیاری از ارزشهای الهی به فراموشی سپرده خواهد شد.

۱۰-۳- موعظه و نصیحت

با توجه به نقش اساسی موعظه و نصیحت در اصلاح و ارشاد انسانها، تعلیم و تربیت اسلامی توجه خاصی نسبت به آن مبذول داشته و در روند تربیتی خویش، آن را به کار گرفته است در اهمیّت آن فرموده است: «رَأْسُ الدِّينِ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِلْأَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ لِلْمُسْلِمِينَ عَامَّةً» (نهج الفصاحة/ ۳۴۲) اصل دین، خیرخواهی برای خدا و فرستاده و کتابش و برای پیشوایان مسلمانان و عموم مردم است.

۱-۱۰-۳- تذکر و یادآوری در قرآن

تذکر و یادآوری مطالب و داستانهای عبرت آموز، یکی از بهترین راههای موعظه و پندآموزی است که در قرآن مجید، بدان اهمیّت خاصی داده شده است، کلمه (ذکر) و مشتقات آن، حدود ۲۷۰ بار در قرآن به کار رفته که در يك جمع بندی کلی می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

الف- آیاتی که وظیفه انبیای الهی را تذکر و یادآوری معرفی می کند مانند: (آیه ۲۱ سوره غاشیه ۸۸)

ب- آیاتی که (قرآن) را به عنوان (ذکر) و عامل یادآوری توصیف کرده مثل: (آیه ۲۹ سوره انسان ۷۶)

ج- آیاتی که از انسانها می خواهد که نسبت به موعظه و نصیحت گوش شنوا داشته و به این وسیله خود را از غفلت، نادانی و گمراهی رهایی بخشد مانند (آیه های ۲۲، ۳۲ و ۴۰ سوره قمر ۵۴)

۲-۱۰-۳- آثار تربیتی و روانی موعظه و نصیحت

با توجه به جنبه های ارشادی موعظه و اینکه اساساً طبع آدمی ارشاد را بهتر و آسانتر از تحکم و دستور می پذیرد، استفاده از این روش، می تواند در سازندگی و تربیت افراد آثار سازنده ای داشته باشد برای آنکه موعظه و نصیحت:

- ۱- موجب دوری فرد از غفلت و ناآگاهی است؛ به فرموده امیر مؤمنان (علیه السلام): «ثَمَرَةُ الْوَعْظِ الْإِتْبَاءُ» (شرح غررالحکم: ۳/۳۲۲). (نتیجه موعظه، آگاهی است)
- ۲- باعث ایجاد علاقه و دل بستگی بین مربی و شاگرد است «الْأَنْصَحُ يُثْمِرُ الْمَحَبَّةَ» (همان: ۱/۱۶۱)

(ثمره نصیحت، محبت و دوستی است)

- ۳- نشانه اخلاص و دلسوزی است «لَا إِخْلَاصَ كَالْتُّصْحِ» (شرح غررالحکم: ۶/۳۵۷) (هیچ اخلاصی به پای نصیحت نمی رسد).

۱۱-۳- تشویق و تنبیه

به دلیل پیچیدگی رفتار آدمی و علل و انگیزه های متعددی که در هماهنگی وی با برنامه تربیت و پیروی یا سرپیچی او از محتوای این برنامه دخالت دارد، باید شیوه های گوناگونی را به تناسب موقعیتهای مختلف در جهت ایجاد انگیزش و تطابق رفتار فرد با اهداف تربیتی به کار بست تا در نهایت به حصول نتیجه ای مطلوب امیدوار شد.

۱۱-۳-۱- تشویق

یکی از صفاتی که قرآن کریم، برای رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) مربی بزرگ انسانیت - بر می شمارد، صفت (بشیر) است «شرح غررالحکم، ج ۶ ص ۳۵۷» بر این اساس یکی از وظایف پیامبر، در راستای ایفای نقش بزرگ و الهی خویش، دادن بشارت و وعده های خوب برای سرانجامی نیک و سعادت آمیز بوده است به همین سبب، در جای جای قرآن نیز سخن از وعده های الهی و پادشاهی است که برای پیروان حق و انسانهایی وارسته در نظر گرفته شده است. «يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ» (توبه (۹)، آیه ۲۱).

(پروردگارشان به آنان مژده رحمت و رضامندی خود و بهشتی با نعمتهای گوناگون می دهد).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، در کنار وعده ها و بشاراتی که از زبان قرآن کریم برای ایجاد رغبت و اشتیاق در جانهای شیفته حق بیان می فرمود، خود نیز به صورت عملی افراد مستعد و لایق را مورد عنایت و تشویق قرار می داد. انتخاب (عتاب بن أسید) برای حکومت بر

مگه در حالی که جوانی بیست و یکساله بیش نبود، نمونه ای از این شیوه تربیتی پیامبر اکرم (ص) است

ایشان، دلیل این انتخاب را لیاقت و شایستگی او و برتری وی نسبت به سایرین عنوان فرمود (ابن اثیر، أُسْدُ الْغَابَةِ: ۳/ ۳۵۸) و هنگامی که از اعتراض مردم مگه نسبت به این انتصاب آگاهی یافت برای آنان نوشت: هیچ يك از شما حق ندارد در مخالفت با (عتاب) به کمی سنّ او اعتراض کند، چرا که این طور نیست که (بزرگتر) برتر باشد بلکه آن که (برتر) است (بزرگتر) نیز می باشد. (عباسقلی سپهر، ناسخ التواریخ حالات پیامبر اکرم: ۲/ ۱۰۳)

الف - آثار روانی تشویق

تشویق - همان گونه که از مفهوم لغوی آن نیز برمی آید - جان خسته و خمود را به وجد و هیجان آورده با ایجاد شوق و رغبت و تقویت روحیه و اعتماد به نفس، فرد را برای به کارگیری تمام نیرو و استعداد خود در راه انجام وظایف محوله آماده می سازد. از این رو می توان گفت مهمترین اثر تربیتی آن، ایجاد انگیزش در فراگیر است و انگیزش از جمله شرایط اصلی و ضروری در مسئله تعلیم و تربیت به شمار آمده است.

ب- نکات اساسی در اعمال تشویق

بکارگیری هر روش تربیتی، از جمله روش تشویق، مستلزم رعایت اصول و نکات دقیقی است تا بتوان بهترین و بیشترین نتیجه تربیتی را از آن به دست آورد.

از جمله اساسی ترین نکاتی که در مورد تشویق باید به آن توجه کرد، رعایت اعتدال و تشخیص موارد اعمال آن است علی (ع) طی یکی از سخنان حکمت آمیز خود به این اصل اساسی اشاره فرموده است

«الْإِنِّاءُ بِأَكْثَرِ مَنْ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عَيٌّْ أَوْ حَسَدٌ» (نهج البلاغه، حکمت: ۳۳۹/ ۱۲۴۹) (ستایش بیش از اندازه استحقاق، چاپلوسی است و کمتر از مقدار شایستگی فرد، عجز و ناتوانی و یا حسد است)

نکته دیگر آن است که باید توجه کرد تا تشویق در برابر انجام وظایف معمول و متعارف صورت نگیرد زیرا حالت (مزدوری) را در فرد ایجاد و یا آن را تقویت می کند. همچنین باید

مواظب بود که تشویق‌هایی هم که در برابر انجام کارهای مهم و بیش از حد انتظار صورت می‌گیرد، در وی ایجاد غرور، کبر و خود بینی ننماید و کمکی به رشد یا تقویت سایر رذایل و صفات ناپسند اخلاقی او نشود.

۲-۱۱-۳- تنبیه

یکی دیگر از وظایف و مسؤولیتهای الهی انبیاء(ع) مسئله (انذار) بوده است: «وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ»، کهف (۱۸)، آیه ۵۶

هر چند اصطلاح «تبشیر» در برخی موارد در خصوص وعده های عذاب و مجازات نیز به کار رفته ولی در مورد عذاب، اصطلاح خاص «انذار» بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است به این معنی که پیامبران الهی بر دو نکته اساسی تأکید داشته اند: مژده به پادشاهای نیک در برابر اعمال نیک و بر حذر داشتن بدکاران از عواقب شومی که بخاطر اعمال ناشایست آنان در انتظارشان می باشد.

به همین سبب، می بینیم از جمله وظیفه ای که در راستای رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به وی گوشزد می شود، مسئله «انذار» است «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ». (مدثر ۷۴)، آیات ۱-۲. (ای جامه به خود پیچیده برخیز و مردم را نسبت به سرانجام شوم رفتار خود بیم ده)

الف- معنای تنبیه

تنبیه، از ماده (نبه) به معنای بیدار کردن از خواب، آگاه ساختن، توجه دادن و برانگیختن است و در اصطلاح تربیتی، عبارت از روشی است که مربی به وسیله آن در مواردی خاص، شاگرد را در برابر انحرافات و کوتاهی های وی در امر تربیت، مجازات می کند.

ب- ضرورت تنبیه :

آدمی به لحاظ وجود کششهای مختلف درونی، در برخورد با حوادث و مسایل زندگی و ظواهر دلفریب آن، همواره در معرض ارتکاب گناه، تخطی از مسؤولیت و وظیفه و بالاخره لغزش و اشتباه است. در چنین شرایطی است که باید به طریقی، جلو سقوط و انحطاط او را که سعادت

ورستگاری دیگران را نیز تهدید می کند، گرفت آخرین و قطعی ترین وسیله-ای که در این باره به کار می آید، روش تنبیه است.

نتیجه گیری

آنچه در تعریف لغوی و اصطلاحی تربیت به طور مختصر بررسی گردید، حاصل سخن این است: آنچه در معنای لغوی تربیت بیان شده است می توان گفت: تربیت عبارت از انتفاخ - برجسته شدن - به همراه افزوده شدن است، به این معنا که چیزی در ذات خود برجستگی و گشودگی بیابد و سپس بر آن افزوده گردد. در اصطلاح از مجموع تعاریف ارائه شد «تربیت» عبارت است از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند.

در بحث روش هایی تربیتی نیز با تأکید بر این مطلب که تربیت با روش صحیح و منطقی مؤثر خواهد بود؛ لذا روش هایی تربیتی از منظر قرآن کریم می تواند بهترین گزینه باشد برای دست یابی به این موضوع بابررسی آن در آیات قرآن، نتیجه این شد که برای تربیت راه های متعددی وجود دارد و با توجه به جنبه ی شخصیتی انسان که از جایگاه و عظمت بالای برخوردار است، روش های تربیت نیز باید متناسب با آن باشد؛ لذا موارد ذیل به عنوان روش هایی تربیتی از منظر قرآن کریم ذکر شده است: محبت، احترام به شخصیت، الگو دهی، معاشرت با صالحان، بیان حوادث عبرت آموز تاریخی، پرستش، نیایش، جهاد، کار، موعظه و نصیحت، تذکر و یادآوری، تشویق و تنبیه که این موارد از مهم ترین روش هایی تربیتی قرآن کریم به دست آمده.

کتابنامه

قرآن کریم.

هج البلاغه.

نهج الفصاحه.

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، قم، هجرت، بی تا، دوم

خطیب، محمد شحات؛ اصول التریة الاسلامیة، ریاض، دارالخریجی، ۱۴۱۵ق

حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا

حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، بی تا، اول

حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵،

دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۰، چهارم.

رفیعی، بهروز؛ آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه

چاپ سبحان، ۱۳۸۸

رجال زاده، رضا، روش شناسی تدریس، دانشگاه تربیت معلم

زرکش، غلامحسین، روشها و فنون تدریس، چاپ، دانشگاه تربیت معلم

شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، نهم

علامه مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار.

گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، مجموعه مقالات تربیتی، قم، مؤسسه امام

خمینی، ۱۳۸۸، اول

گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴، هفتم

گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ مجموعه مقالات تربیتی، قم، مؤسسه امام

خمینی؛ ۱۳۸۸، اول.

